

# گزارشی از دیدار و گفتوگو با رییس قوه قضاییه (۲)

## عباس عبدي

۲- موضوع بعدي ضرورت علني شدن دادگاه‌هاست. واقعیت این است که رسیدگی به بسیاری از پرونده‌های مهم و مورد توجه مردم غیرعلني و محرمانه انجام میشود. جز امور مربوط به عفت عمومي، سایر پرونده‌ها جز در موارد كاملا استثنائي نباید غیرعلني باشد. علني شدن دادگاه‌ها منافع فراواني دارد. جز دادگاه، مردم هم نسبت به پرونده داوري خواهند کرد. اصولا از طریق دادگاه‌های علني است که معلوم میشود، حقوق تا چه حد با عدالت تطابق دارد و مراحل رسیدگی تا چه حد عادلانه است؟ با غیرعلني کردن دادگاه‌ها، اعتبار احكام صادره مخدوش خواهد شد. علني بودن دادگاه‌ها شکل دیگری از پاسخگویی نیز است. یکی از ضرورت‌های مهم در دستگاه قضائي پاسخگویی شفاف و روشن درباره پرونده‌ها و موضوعات مرتبط با امر قضاست. برای نمونه هنوز کسی به درستي نمیداند که پرونده متهمان محیط زیستی چه ماهیتهی دارد؟ پرسش‌های مرتبط با زندان‌ها و متهمان روزبه‌روز بیشتر خواهد شد و باید پاسخگویی موثر و مناسب درباره آنها داشت که دادگاه علني یکی از شیوه‌های پاسخگویی است. آنچه باعث تاسف است افزایش امور غیرقضائي یا توسعه مفهوم امر قضائي است که به عهده دادگستري گذاشته شده و این‌بار سنگین که معمولا با مشکلات و خطاهای خاصي همراه است، چهره کلیت امر قضا را تحت تاثیر قرار میدهد. دستگاه قضائي باید بار خود را سبک کند و فقط به امور قضائي محدود شود. البته این کار نیازمند تغییرات در قانون اساسي است. ولي همان‌طور که اصل 44 قانون اساسي تفسیر شد اینجا هم میتواند اصلاحاتي انجام داد.

۳- آخرین مطلب کلی که توضیح دادم درباره نقش و سهم دستگاه قضائي در تصمیمات کلان جامعه بود. به نظر بنده دستگاه قضائي وظیفه ندارد که با وجود سیاست‌های جرم‌زا اقدام به مجازات مجرمین و پر کردن زندان‌ها کند. چرا باید در برابر سیاست‌های جرم‌زا سکوت کرد؟ چرا باید نسبت به سیاست‌هایی که تورم ۵۰ درصد و افزایش قیمت ۵۰۰ درصدی ارز و افزایش بیکاران و... منفعل بود و عوارض آنها را که فساد و سرقت و انواع و اقسام ناهنجاری‌های دیگر است، پذیرفت و اقدام به

مجازات مجرمین و افزایش ناشی از اجرای این سیاست‌ها کرد؟ تن دادن به این سیاست‌ها موجب استهلاک دستگاهی می‌شود که باید عدالت را محقق کند. اگرچه دادگاه‌ها باید بر اساس قانون حکم دهند، ولی دست آنها در تطبیق قانون با عدالت مورد نظر جامعه نیز تا حدی باز است. اتفاقاً مثالی که در آن جلسه زدم همان روز خبرش منتشر شده بود که برای سرقت سه بسته بادام هندی، 10 ماه زندان و ۴۰ ضربه شلاق صادر شده است. شاید اعتبار این حکم به لحاظ صوری و تطبیق با قانون چندان محل مناقشه نباشد، ولی وجدان اجتماعی به کلی با این درک از عدالت بیگانه است. از این‌رو معتقد هستم که قضات از طریق تفسیری که از قانون می‌کنند می‌توانند، فشار کافی بر سیاستگذاران وارد کرده تا سیاست‌های خود را اصلاح کنند. بخش دیگر سخنان بنده ناظر به موضوعات خاص بود که آنجا عناوینش را با قدری توضیح بیان کردم و اینجا با شرح بیشتر تقدیم می‌شود.

۱- اولین مساله، وجود میلیون‌ها ایرانی خارج از کشور هستند. بخش زیادی از کسانی که در خارج زندگی می‌کنند، به داخل رفت و آمد دارند، ولی بخشی از آنان نیز به هر علتی از آمدن به ایران پرهیز دارند و نگران هستند که در صورت آمدن دچار مشکلات حقوقی یا قضایی یا ممنوع‌الخروجی شوند.

این وضع برای کشور تبعات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی دارد. لذا پیشنهاد می‌شود با یک رویکرد مثبت برای رفع نگرانی‌های آنان از بازگشت و رفت و آمد به ایران یک برنامه جدی تدوین و با نظارت قاطع دستگاه قضایی به مرحله اجرا درآید. این از حقوق مسلم هر ایرانی است. دستگاه قضایی باید در جهت استیفای این حق گام بردارد. همین طوری نمی‌توان گفت که بیایند کاری به آنان نداریم. باید نگرانی‌های ایرانیان را محترم شمرد شاید بخش مهمی از این تصورات غیر واقعی باشد که به راحتی برطرف شود.

۲- نحوه برخورد با روزنامه‌نگاران موضوع بعدی بود. واقعیت این است که مجموعه برخوردهای قضایی و غیرقضایی با کارگزاران رسانه‌های کشور اعم از مدیران مسوول و به‌طور مشخص روزنامه‌نگاران نتیجه‌ای جز خارج شدن مرجعیت رسانه‌ای از کشور نداشته است. رفتن بسیاری از روزنامه‌نگاران از کشور آنان را در محیطی قرار می‌دهد که بیشتر آنان از آن رضایت ندارند. بنابراین بازداشت‌های گروهی و مجرمانه دانستن هر نوع ارتباطی، هیچ خدمتی به استقلال و کارایی نهاد رسانه‌ای در کشور نمی‌کند. البته مدتی است که تغییر ملموسی را در برخورد با روزنامه‌نگاران شاهدیم، ولی امیدواریم که این روند پایدار و عمیق‌تر و حتی همدلانه‌تر شود و از احضارهای خارج از قانون

و برخوردهاي ديگر نيز خبري نباشد.

□□□□□□ 1400 □□□□ 9 □□□□□□ □□□□□□:□□□□